

عنوان مقاله:

تحلیل روند اسطوره زایی و نقش استحاله باورهای دینی در تجزیه و افول اسطوره گرشاسپ

محل انتشار:

شاهنامه و زبان فارسی (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

فرزاد قائمی - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

خلاصه مقاله:

گرشاسپ، تنها اسطوره ای در ایران است که در سیر منابع اساطیر ایران، از کهن ترین منبع (ریگ ودای هندی) تا جدیدترین منابع (روایات شفاهی حماسی ایران) دوام داشته، لیکن در سیر منابع باستان تا میانه و میانه تا نو، دچار تحولی دوگانه شده است. ابتدا در متون پهلوی، قهرمان مبارزه با دیوپرستان، تبدیل به دشمن اژدهایان و دیوانی می شود که روند اسطوره زایی به رشد انتزاع در روایات مربوط به آن ها انجامیده است و سپس در ادبیات تاریخی و حماسی عصر اسلامی، تجزیه او و انتساب روایاتش به سام و انتساب دودمانش به دستان و رستم، مایه کمرنگ شدن او را در بدنه فرهنگ ایرانی ایجاد کرده است. این جستار نشان می دهد، عامل اصلی در این استحاله، باورهای دینی بوده است. در دوره میانه، تثبیت ایدئولوژی زردشتی، به تغلیظ لایه اساطیری شخصیت او و در دوره نو، تعلق او به ذات تعالیم مزده یسنی، به محو نسبی او، به نفع خاندان پهلوانان غیردینی سیستانی (زال و رستم) انجامیده است.

کلمات کلیدی:

گرشاسپ، سام، رستم، اسطوره، اوستا، پهلوی، حماسه.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1505690>

